

اخیرا نوشته‌ای از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران زیر عنوان "پیام سازمان مجاهدین خلق ایران به دانشجویان مبارز خارج از کشور" در خارجسه انتشار یافته است که برخورد انتقادی بدان از چند لحاظ ضروریست. یکی از این لحاظه که از مفاد این پیام در مجموع چنین برمیآید که رفقای مجاهد پسین خلق در کار یک تجد نظر کلی در خط مشی علمی و برنامه‌های خود هستند، که بدینده ما می‌تواند گسار شتی به پیش باشد، و از همین رو دفتر در چگونگی انگشکان آن از هم اکنون مهم است! دوره پیکرانی پیام نامبرده برای نخستین بار با آنجا که با اطلاع داریم و راجع به وقایع سیاسی اخیر در ایران و مشخصا سریند کردن یک جریان مخالفت لیبرالی آزرباسی و نظرد آن شده است، که از لحاظ تعیین سیاست و نائیکه جنبش کمونیستی و کارگری برسی آن حاضر اهمیت می‌باشد. سده دیکریستله آزرباسی و تعیین سرخورد مایه روزیونیسم در اردوسته کینه برتری است! و سرانجام برخی نقطه نظرهای معنی است که رفقای مجاهد در پیام خود به دانشجویان جنبش در مورائیک آنان در خارج و همچنین در "پاسخ" ضمیمه "پیام مزبوریه گروهی بنام "اتحادیه" دانشموان در امریکا" طرح کرده اند.

ما لازم میدانیم که در اینجا در برخورد بهرچهار طلب نقطه نظر خود را هر چند بیکرانی ارائه دریم. نخست و پیش از هر چیز از آنجا که مفاد پیام آنجا که به خط مشی علمی و برنامه ای سازمان مجاهد پسین خلق بر میگردد امیدوارکننده است ولی لازمست اصرار حسا لازم برخورد آریانشه. این صراحت به موضع گیری سیاسی نسبت به گذشته و حال بیانجامد و بجلا شتی به تحلیل واقع بینانه ای از جنبش کمونیستی ایران وانگشکان آن باشد. در پیام مذکوریم که سازمان مجاهد پسین خلق اکنون پس از نشت سرگرد اردن موفقانه یک دوره تلاطمات و تربیبات تشکیلاتی لازم درونی خود را برای استقبال از فوان و بتلاطم انقلابی تود و هانکه نخستین غلظش تازه به نظر می‌رسیده و آماده حمله وانیکه "این آمادگی" باشد. در روزیونه و زمینه ترویک، یعنی یک فصل مسائل سیاسی مرحله کوئی انقلاب در مورائیک ایران، و همچنین ای تجارب و نتایج دوره های گذشته و برسی انتقادی آن به برخی نقطه نظرات وروشهای کارگرفته و وارد هستند در زمینه علمی و احتمالی گویه نیروه و امکانات سازمانی به کارگاه اساسی در میان طبقه کارگر و یگارد میان طبقات زحمتکش و شرکت دریرائیک مبارزاتی روزیوره آنها می‌باشد.

در مورد زمینه نخست، زمینه "ترویبات و حمل و فصل مسائل سیاسی البته فعلا باید منتظر بودیم. مگر بررسی مسائل که در همین پیام بدان اشاره شده است. اما در مورد زمینه دوم "زمینه" علمی که برین از نشتی چرکی از جمله زنگار است" عمل مسلمانان در حمایت از جنبش کارگری" و مانند آن را نشان میدهد. حرکت در مدهود صحیح و امیدبخش دیده میشود. البته ماهر اینجا نمیدانیم که آیا این برین بدلیل آزرباسی نوبنی از نشتی وانیکه گشته است، مثلا مانند آنچه که برخی از مارکسیست - لنینیستها در تریکه کرده اند و بدینسان کام مهبی در این زمینه در هم آمدن جنبش کمونیستی تریکه برداشتنده و یا آنکه سرمارد نیل نغیر اوضاع و احوال جامعه و مثلا ظویر تلاطم انگشکان یک جنبش گسترده توده ای؟ نکته دیکریستله نر گاملا نادرست وسه گمراه برنده "جنبه واحد تود و ای" می‌باشد، که هر چند مختصات طرح شده بسر ای آن با برنامه علمی و مستگبری جد بد جور رنی آید ولی می‌تواند به فالب جد جیدی سرینند یل شده با مختصات جیدی جیدی طرح کرد. در نظر ما همین "ضمیمه" سازمانی کمونیستهای ایران وناجملترین حرکت در راه انحصار نیروهای در مورکرات وند امیرالیست، حرکت در راه وحدت در ان نیروهای برانگنده "جنبش کمونیستی و همسران کارگری ایران" یعنی تشکیل حزب کمونیست است. ما دانکه به این بهترین وظیفه پاسخ روشن داد شد و طرح وحدت بهر طرف وحدت در ان نیروه، مثلا به "وظیفه ای مقدم و پیش شرط برای کمونیستهای ایران" سرانجام درست و گمراه کننده است. ما می‌توانیم بر صوریات یک موقع گیری روشن و صواب طبقه و البته برنامه ای بدین مضمون از سوی همه بیروان راستین کمونیسم در ایران تأکید می‌کنیم، نه تنها به خاطر وجود پت نقطه نظر - های انحرافی و همچنین فرقه برستانه ای که در نالسم بی خبری از ضعف و فروماندگی جنبش کمونیستی ما و هم

چنین بی توجهی بمسائل اصولی مارکسیسم در میان محافل و گروهها بر اهمیت و تامل بودن انجام وظیفه مزبورهای ای از کویا فراموشی افکنده - البته همچنین توظیفه گریهای مذکورانه، عدهای ملوک از خود را صی - بلکه بدین مضمون خاطر هم که درست ظویر علان توفان توظیفه انقلابی در عهدهای مردم ما و هراس آن وجود تهدید بد گاملا قابل رویتنی که چه از سمت محافل بورژوازی مامانات جو و چه از سمت روزیونیسمتها - نتیجه این توفان و تلاطم و بقصد به گمراه کشاندن آن و حتی سرکوفت زدن بر آن می‌باشد، بر دناختن به این وظیفه را در یوندنن حیاتی کرده است.

۲ - دوم آنکه در پیام در اشاره به محسولات سیاسی اخیر ایران، که همه دال بر وجود و تشدید سیاسی بحران اقتصادی و سیاسی عمیق در جامعه است، ماست، گفته میشود که "با رشد" مناسبات سرمایه داری" و پیدایش قشر وسیعی از سرمایه داران تود - سط "بورژوازی لیبرال" که سهم مناسی در قدرت حاکمه و الیگارشتی باند شاه دارند، و این قدرت را حتی از طرف قشرهای وسیعی از خود طبقه حاکمه یعنی از طرف بورژوازی لیبرال نیز علاوه بر تودهای خلق تود فشار قرار داده است. "بعلاوه تود صیفا این "بورژوازی لیبرال" در "مقدمه" بوده - چنین آمده است: "بورژوازی لیبرال ایران که خود تا مغز استخوان، مستقیم و غیر مستقیم وابسته به سرمایه امپریالیستی بوده و ..."

بدینده ما در اینجا رفقای مجاهد در نوشته تضاد در میان قشرهای بورژوازی جامعه ایران را که هر دو رو به رشد گذارده و مربوط به شرایط ویژه جامعه ما میشوند، با هم مخلوط کرده و به آزرباسی انتقادی و بر نتیجه انحرافی از حرکت های اخیر یعنی از بورژوازی و روشنفکران آن رسیده اند. اشاره ما در اینجا مشخصا به وجود تحرك سیاسی گسترده در محافل بازاری، در میان قشرهای متوسط کارمند - ان، فرهنگیان و غیره و نیز سرینند کردن دوساره - عده ای از روشنفکران و سیاستمداران معروف بورژوازی علمی و خرده بورژوازی در ناله روه آن که اخیرا در گروهند پیام بنام "اتحاد نیروهای مجبه" ملسی ایران" یا "کینه" ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" میگویند خود را شکل دهند، می‌باشد. این حرکت سیاسی، چنانکه بارها در نشریه چه از برنامه "سیاسی و جهان ز کامهای علمی و شیوه" فعا - لیت و مبارزه" مناصر و گروههای مشتگانه آن آزرباسی داده ام، یک حرکت لیبرالی یعنی اصلاح طلبانه - توظیم با مامانات است، یعنی با دیکریستیم خرده - بورژوازی و روشنفکران قشری رفته و از "ارائه" خواستهای ریشمادی و انتخان روهایی انقلابی بدور است. و با آنها مخالفت می‌ورزد. بعلاوه نماندگن سیاسی این حرکت بورژوازی در ارائه" مطالبات سیا - سی و تعیین نائیکه جیت نیل بد آنها میزبان چشم گیری در به سامت های بین المللی و مانورهای سیا - سی امیرالیست امروزی در ترون طبقات کلاسکامه ایران بسته اند و از قیام توده های ما دارند. آن دل بسن و این بیم هر دو جلوه های از نایکیگری زبونی و مست مایگی بورژوازی ملی ایران است، که بنوع خود از پیوند هایش با مالکیت ارضی در روستای ایران و نیازش به سطحی از ارتباط و همسختی با سرمایه داری جهانی از یکسو و از ترویی و نیرویی آمادگی تاریخی بورژوازی ایران و تحریه" بورژوازی از آن از سوی دیگر نشأت گرفته و خود تاریخچهای پشت سر دارد. چنانکه مبدانیم بورژوازی ملی در ایران همیشه با بخشی از مالگان و برعکس، حرکت میکند و از بهای بالایش با کارگران روهها روه و سرس دارند و نیز دارای آدم و با اصطلاح پارٹی در سراسر بوروکراسی رژیم ضد خلقی و دست نشاند می‌باشد. با انجبال حرکت لیبرالی و توظیم با مامانات این بور - ژوازی دارای عناصر دیکرائیک در ترون خود و دارای نوبتی ملی یعنی ضد امیرالیستی و ضد سرمایه گری - اداری و انحصاری است، و این بورژوازی بخشی از طبقات حاکمه یا قشر و قشرهایی "از خود طبقه" حاکمه - نیامند و وابسته به سرمایه امیرالیستی - نیست. دسازاری تاریخی بورژوازی ملی از جمله قشرهای نیای تجاری و صنعتی و کارمندان و روشنفکران آید

در ۱۴ سال گذشته و بدیعه سرانی های آنها برای شاه و در اردوسته خائن او، دناختن در پیلتنه به دیکتاتور فاشیستی شاه و سکوت در برابر اسارت

تود مهاجرت، که از لحاظ سیاسی در سیاست "صبر و انتظار" نمایندگان سپاهستان تلویز یافت (آتیام بافتاق آزادی)، نه تنها نتیجه شکست و سرخوردگی از نشتیبات مست مایه گذشته می‌باشد بلکه دلیل گسترش شرایط عمومی سرمایه داری در ایران و از جمله دادن امکانات اقتصادی باین طبقه از سوی دروسته حاکم این بورژوازی از منافع سیاسی خود سر فزطر کرد، آزاد خواهی و ملی گری ساسی در همان حدی که بود با این امکانات معاوضه کرد و سهم سیاسی را در فال سهم اقتصاد - دی به گردان. با پیدایش زمینه های بحران وسیم خوردن تعادل اقتصادی در ایران و مشخصا از زمان افزایش چشمگیر درآمد نفت و وجود آمدن امکانات یک تازی در اردوسته شاه و بالا گرفتن رقابت میان سرمایه های بزرگ و کمزاداری و هجوم آنها به سرمایه های کوچک و سپس متوسط جیت بیرون کردن آنها از میدان از جمله در زمینه تجارت میان روستا و شهر، تومل به سیاست تبعیضی تثبیت قیضا، روی آوردن به سیاست دروغی باز بر اثر فشار بحران سرمایه داری جهانی و با آنکه به دلایلی نشتی و افست صادراتی کالا های غیرنفتی و سنتی و غیره همه به مقاومت و در پی آن به حرکت مخالفت جویسانه بورژوازی و تجدید دعوی خود بر مجلس و ارگان حکومتی جامعه با دروغ است. راجع به قیامت مخالفت که در برابر فشار طبقات حاکمه و قدرت سیاسی آنها بوده و با بالا گرفتن رقابتها و کشش های درون طبقات ممتاز حاکم می‌تواند حتی و در مغالطه با جنسهای گوناگون حاکم تود و مقابلتهای میان دستجات حاکم با یکدیگر بورژوازی که نواز - در اردوسته فعال مایشتا" و دارای صنایع دود مانی شاه، طبیعا تفاوت روشنی وجود دارد و این تفاوت با رشد بحران اقتصادی - سیاسی، مخالفت های آشکارتر امیرالیست و روشن تر شدن صفوف طبقات و گروه - بتدیهای اجتماعی با روشنی بیشتری چشم خواهد رسید.

ما چنانکه در دو شماره پیشین "حقیقت" در مقاله ای زیر عنوان "یادداشت درباره" ناقصات درون طبقات حاکم" تأکید کردیم: "یکی از مسائل مهم جنبش انقلابی همانا نشتی دادن دقیق تفاوت میان این دو رشته تضاد می‌باشد، که یکی به تضاد میان بورژوازی ملی و لیبرال و طبقات ممتاز حاکمه و دیگری به تضاد درونی طبقات ممتاز حاکم مربوط میشود. هرگونه مخلوط کردن مایه انحراف سیاسی ست و از لحاظ امیرالیستی باید به اپوزیونیسیم راست و یا به فاقیه بافی "چپ" و سکارسیسم چشم خواهد گشت."

روشن است با توجه به تفاوت میان این دو رشته تضاد، سیاست و نائیکه طبقه کارگر نسبت به آنها نیز تفاوت پیدا خواهد کرد. چنانکه در همان مقاله یاد شده نوشتیم: "کمونیست ها با عواطفی های لیبرالی درون طبقات حاکمه و توهانی را که نمایندگان بورژوازی بزرگ خصوصی، پارهای از ملاکان سرینی از محافل امیرالیستی در کشانتهای خود با رضای حاکم میگویند در مردم ایجاد کنند افشا سازند، عین حال خطاست اگر لسه نیز مبارزه انقلابی، که نتیجه حکومت استبدادی - فاشیستی شاه و دسار

نیشنها و جریانهای ماهیتناضیه ولی دارای پوششهای گوناگون "چپ" و راست، خواهند بود که از چنین تفرقه ویراکنندگی سود خواهند جست، بعلاوه، صرفنظر کردن از " ایجاد تشکیک وسیعتر " در خارجه، بهیسانه، آنکه ممکن است " رهبری آن توسط بورژوازی لیبرال در دست گرفته شود (گذشته از اینکه این بحث اصلا در اینجا غیرواقعی است)، آسانترین راه کشودن میدان برای همان رهبری بورژوازی لیبرال است تا تشکیک وسیعتر خود را ایجاد کند .

بعلاوه لازم است در اینجا به ادامه بحث کلی خانه داده و بحاشیه، واقعیت برویم و تأثیرات این گونه رهنمود ها و پیامها را بنایت ارائه، دهندگان آنها بسنجیم. چند سؤال بگیم: آیا رفقای مجاهد که خواهان بسط جنبه " مومکراتیک بگیر و انقلابی جنبش در انجود- یان در خارجه هستند، واقعا ضرور میکنند با تنسویق ادامه حیات گروههای پراکنده، دانشجویی به مقابله با جریانهای لیبرالی و جلوکگیری از نفوذ آنها در میان دانشجویان برخاسته اند؟ آیا نباید ستخم یا غیر- مستقیم سابق رفتار یکی از جریانهای انشعابگرا نه، جنبش دانشجویی خارجه، که اتفاقا تحت رهبری همان جریانهای " خواسته یا ناخواسته " بوسشاید ایضاح

عنوان " پافشاری " بر " اصول " توسط آنها - مقابله با جریانهای لیبرالی و جلوکگیری از نفوذ این جریانها در میان دانشجویان بود؟ آیا ارائه و تبلیغ تزه های غیر- واقعی و پاسیف چون ساختمان گروههای " پشت جبهه " توسط دانشجویان برای این یا آن سازمانهایی که هنوز خود جبهه ای را ننگشوده و کارچندانی ندارند، بعنوان اکثریتایی در برابر جنبش مومکراتیک و در حال مبارزه، دانشجویان، و بدینسان پشتیبانی در این بد جریکه های کاغذی و پاسیف و " انورنه " بازی های سخره شان، بمعنای کک به " موازنه " قوا به نفع پرولتاریا و نیروهای انقلابی در مومکرات بگیر " است؟ اینان هستند همان " نیروهای واقعا مومکرات " جنبش دانشجویی که " اگر " صلاح هست " اشکالی ندارد " در همان " دامنه " محدود تر، خود بمعانده و بر " اصول خود پافشاری نمایند ؟ " ابدیده " مادر ارائه یک رهنمود سیاسی لازمت ارزیابی خود را از شرایط وصف بندیهای موجود، که پایه به حنان رهنمودی داده مخاطبین واقعی آنرا نیز روشن میکند، طرح کرده، تا مفاد آن از صراحت و معنای روشنتری برخوردار باشد. روش رفقای مجاهد متأسفانه از چنین صراحت و روشنا- بی لازمی برخوردار نیست.

